

### متن پرسش

سلام استاد: بعد از مدتی بحث با شخصی که دکترای فلسفه خوانده و شاید اجتهاد در فلسفه داشته باشد گفته شد که «شرایط بد دخلی به سعادت انسان ندارد». بله! ممکن است شخصی بر اثر شرایط بد انتخاب های بدی داشته باشد ولی این انتخاب ها حقیقی نیست چون ممکن است غلبه شرایط بوده باشد و اسلام غالب نیست تا دل جذب به این دین الهی پیدا کند و خدا این اثر را بی اثر می کند ولی این گونه نیست که آن شخصی که در شرایط بد است رها شده باشد، خیر هیچ کس رها شده نیست ولی انتظار خدا از همه متفاوت است، و با انتخاب های حقیقی کار دارد اگر در جایی انسان را مجبور کنند که فلان کار را انجام دهد و آن شخص هم از ترس جان یا مال یا.. مرتکب شود، اگر انسان در اثر غلبه فساد یا به وجود آمدن در خانواده کافر یا ... مجالی برایش نگذارند که میل به اسلام پیدا کند و این ها باعث انتخاب و اختیار کردن بدی باشد این انتخابها حقیقی نخواهند بود و شاید خدا از شخصی در دنیا فقط همین را بخواهد که کمی مخالفت با نفس کند به علت شرایط نتواند همه کار انجام دهد اگر این شخص در بدیها گرفتار شده، این انتخاب درونی را داشته باشد برای خدا کافی است که او را در برزخ آیت الله بهجت کند، بالاخره انتخاب حقیقی هم لوازمی دارد که از جمله آن ۱. حجت بر انسان تمام شده باشد چون عقل به تنهایی قادر نیست کار پیامبران را انجام دهد. ۲. شرایط بد خیلی غالب نباشد نه اینکه نباشد طوری باشد که خلاف جهت رفتن خیلی خیلی سخت نباشد و محال نباشد، الحاصل: ۱. خدا به انتخابهای حقیقی جزا یا عذاب می دهد. ۲. انتظارش از اشخاص متفاوت است این صحبت ها را اگر تایید می کنید لطفا صریح صریح بفرمایید نه حاشیه ای، و اگر اشتباه هستند اصلاح فرمائید، لطفا سر سایت قرار دهید. ممنون

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حرف غلطی نیست و حتماً باید به شرایط مکانی و زمانی افکار و افراد نظر داشت. ولی عنایت داشته باشید که خداوند با فطرت توحیدی که در جان انسانها قرار داده، قدرت تشخیص حق و باطل را به آنها داده است. خداوند در این رابطه می فرماید: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» [۱]

آنگاه که از فرزندان آدم، از پشت نسلهایشان، تعهد گرفتیم، خودشان را گواه بر خودشان گرفتیم، که آیا

من ربّ شما نیستم؟ گفتند: آری شهادت می دهیم. این کار را کردم تا روز قیامت نگویند ما نسبت به ربوبیت تو غافل بودیم. آیه فوق خبر از تعهد فطری انسان در مقابل خدا می دهد مبنی بر اینکه انسان ذاتاً حق را می شناسد و ربوبیت او را پذیرفته است. سپس در ادامه می فرماید: «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ» [۲] و نیز نگویند که پدران ما مشرک بودند و ما هم فرزندان آنها بودیم و از کفر و شرک آنها اطلاعی نداشتیم، آیا ما را هلاک می کنی به جهت کاری که آن باطلان کردند؟

آری آیات فوق نشان می دهد انسان ربوبیت حق را پذیرفته و اذعان نموده و لذا جان او با حق آشناست، اینطور نیست که شرایط و محیط نقش اصلی در انتخابهای انسان داشته باشند و اگر در شرایط غیر الهی به دنیا آمد، شرایطی که هیچکس متذکر پروردگار عالمیان نبود، جان انسانها از پروردگارشان بخیبر باشد. با دقت در محتوای آیات فوق روشن می شود که ذات همه انسانها با پروردگار خود روبه رو شده است و همه بدون استثناء ذاتاً به رب بودن خداوند شهادت داده اند. به طوری که همه پروردگار خود را با يك علم ذاتی و حضوری می شناسند. و لذا در قیامت بدکاران نمی توانند بگویند ما از ربوبیت خداوند بی اطلاع بودیم، چون جانشان چنین تصدیقی را همواره داشته، هرچند با مشغول کردن خود به دنیا، آن صدا را در خود خاموش کرده و در نتیجه نمی شنوند. با توجه به فطرت آشنای به پروردگار هستی، نمی توانند بگویند چون پدران ما مشرک بودند ما هم مشرک شدیم و محیط و تربیت خانوادگی را بهانه ای برای انحراف خود از بندگی پروردگار قرار دهند، زیرا ریشه اصلی بد بودن و خوب بودن هر کس، خود فرد است و محیط و خانواده و پدر و مادر و جامعه و ژن، همه علت مُعَدّه و یا شرایط می باشند و علت اصلی خود انسان است که در مقابل ندای فطرت چه موضعی بگیرد و چه انتخابی بکند. چه بسا از والدین غیر صالح و در محیطی فاسد، انسانهایی متعالی سربرآورند، زیرا این انسانها نگذاشتند صدای فطرت در جانشان خاموش شود.

چنانچه ملاحظه بفرمایید این نوع رویارویی با پروردگار که از طریق علم حضوری و شهود قلبی انجام می گیرد، جای انکار و عذری باقی نمی گذارد. و چون انسان فطرت و ذاتی دارد که آن ذات و فطرت، خدا را می شناسد، انسان می تواند با فعال نگه داشتن فطرت، حق را از باطل تشخیص دهد.

کار مربی در اصلاح انسانها «ذکر و تذکر» به حقایق است تا انسان براساس فطرتش به خود آید و به خود حقیقی اش که از رسیدن به آن راضی است، دست یابد، نه از خود گرفته شود. و نقش اصلی را در پذیرفتن ندای فطرت و یا پشت کردن به آن، خود فرد به عهده دارد و به همین جهت هم می شود از يك پدر و مادر در شرایط مساوی دو فرزند به وجود آید که یکی کاملاً به فطرت خود پشت کرده باشد و یکی نه. لذا نباید نقش محیط و خانواده و امثال اینها را عمده کرد و انحراف منحرفین را از دوش آنها برداشت، و یا والدین را علت اصلی انحراف فرزندان به حساب آورد. [۳]

عِنَالصَّادِقِ (ع) «أَنَّهُ سُئِلَ مَا تِلْكَ الْفِطْرَةَ قَالَ هِيَ الْإِسْلَامُ» [۴]

از امام صادق (ع) پرسیدند مراد از فطرت الهی چیست؟ ایشان فرمودند همان اسلام است. یعنی انسان فطرتاً خدا را هم «خالق هستی» و هم «ربّ هستی» و هم «اله و معبود هستی» می شناسد. به عبارت دیگر فطرت انسان، توحید را در همه ابعاد آن درک می کند. لذا امام باقر (ع) می فرمایند: «فَطْرَهُمْ عَلَالتَّوْحِيدِ» [۵]

یعنی انسان براساس توحید سرشته شده. و در نتیجه در عمق جاننش می فهمد خدایی در صحنه است که هم خالق هستی و هم رب هستی و هم معبود اوست.

در رابطه با اینکه انسانها در عمق جان خود با پروردگار خود عهد کرده اند شیطان را نپرستند و خداوند را بپرستند؛ قرآن می فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ، وَأَنْ أَغْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» [۶] ای فرزند آدم! مگر به شما سفارش نکردم و شما تعهد نکردید که شیطان را نپرستید، زیرا که او برای شما دشمنی آشکار است، و مرا بپرستید که راه مستقیم همین است و بس؟ موفق باشید

[۱] (۱) - سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

[۲] (۱) - سوره اعراف، آیه ۱۷۳.

[۳] (۱) - جهت تحقیق بیشتر به کتاب «تربیت اسلامی» از آیتالله حائری شیرازی رجوع فرمایید.

[۴] (۲) - کافی، ج ۲، ص ۱۲.

[۵] (۱) -

«وَ عَنِ الْبَاقِرِ (ع) فَطْرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ عِنْدَ الْمِيثَاقِ عَلَى مَعْرِفَتِهِ أَنَّهُ رَبُّهُمْ ... ثُمَّ قَالَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَعْلَمُوا مَنْ رَبُّهُمْ وَ لَا مَنْ رَازِقُهُمْ» E\

هنگام میثاق، آنها را سرشت بر شناخت اینکه او پروردگارشان است و گرنه ندانستند پروردگارشان و روزدهشان کیست. (توحید صدوق، ص ۳۳۰).

[۶] (۲) - سوره یس، آیه ۶۰ و ۶۱

